



دین اگر در اسارت نا اهلان قرار گیرد کاری از پیش نمی‌برد

وجود مبارک حضرت امیر(ع) نیز در نامه پنجاه و سوم به مالک اشتر مرقوم داشتند: ما دین اسیری داشتیم که آن را آزاد کردیم و باید بکوشیم که دیگران این را به اسارت نبرند.

وجود مبارک حضرت امیر(ع) نیز در نامه پنجاه و سوم به مالک اشتر مرقوم داشتند: ما دین اسیری داشتیم که آن را آزاد کردیم و باید بکوشیم که دیگران این را به اسارت نبرند.

به گزارش خبرگزاری مهر، یکی از سنت های همیشگی آیت الله جوادی آملی، تشریح و تبیین نامه ها و جملات مولای متقیان علی(ع) از کتاب نهج البلاغه می باشد که پیوسته دارای زیبایی های در فصاحت و بلاغت می باشد.

در این میان نامه پنجاه و سوم آن حضرت اگرچه خطاب به مالک اشتر نخعی است اما ابعاد تربیت اخلاق فردی و اجتماعی بسیار قابل توجهی را مورد توجه قرار داده و انحصاری به آن زمان خاص ندارد و آیت الله جوادی آملی نیز تأکید خاصی نسبت به این بیانات نورانی حضرت امیر(ع) داشته و نکات بسیار ظریفی را گوشزد نموده اند:

حفظ اصل دین از اوجب واجبات

آیت الله جوادی آملی معتقد است قرآن و دین اگر در اسارت نا اهلان قرار گیرد، کاری از پیش نمی برد. وی بیان می دارد: تلاش راهنمایان دینی در آزادی دین از چنگال بدخواهان دین یکی از توجهات آن بزرگواران در طول عمر شریف خود بوده و کراراً نسبت به رهایی آن توصیه نموده و دین اسیر را مانع پیشرفت مبانی اسلام می دانسته اند، چنانکه وجود مبارک حضرت امیر(ع) نیز در نامه پنجاه و سوم به مالک اشتر مرقوم داشتند: «فَإِنَّ هَذَا الدِّينَ قَدْ كَانَ أَسِيرًا فِي أَيْدِي الْأَشْرَارِ يَعْمَلُ فِيهِ بِالْهَوَى وَ تَطْلُبُ بِهِ الدُّنْيَا» ما دین اسیری داشتیم که آن را آزاد کردیم و باید بکوشیم که دیگران این را به اسارت نبرند.

به تعبیر وی بیت الغزل این عهدنامه این است که آن حضرت فرمودند: مالک! دین که بود، اسلام و قرآن بود، نماز جماعت و نماز جمعه بود لکن این دین اسیر دست حکومت سقفی ها و امثال ذلک بود و غدیر را کنار گذاشتند و با سقیفه پیش آمدند. بنابراین قرآن اسیر و نماز اسیر کاری از پیش نمی برد چرا که این قرآن و آن نماز، مطابق میل هیئت حاکم عمل کرده و هرکس با سلیقه و غرض شخصی دین را تفسیر می کرد که نمونه های آن در مدتی نه چندان دور به چشم خورد و اسارت دین بدست نا اهلان نمو خاصی پیدا کرد. به عنوان مثال نبی مکرم اسلام(ص) که در هنگام فتح مکه، بت ها را شکستند و بمانند ابراهیم(ع) بت شکن عصر خود بودند، بعد از مدت کوتاهی از رحلت شهادت گونه ایشان و در زمان معاویه، تفسیر از دین به آنجا ختم گردید که خلیفه مسلمین بتها را که نشکست هیچ، بلکه آنها را مرصع می نمود و بخاطر جلب سود به کشورهای همسایه نیز صادر می کرد.

کسب تقوا مهمترین عامل بازدارنده نفوذ گناه

تقوا که از توصیه های دائمی مولای متقیان(ع) و سپری در برابر هجمه های نافرمانی خداست از دیگر سفارشات آن حضرت در نامه خویش به مالک اشتر علی(ع) است ایشان در بخشی دیگر می فرمایند: ای مالک مهمترین کاری که تو را وادار و هدایت می کند تقوای خداست. تقوا از وقایه است و وقایه یعنی سپر داشتن لذا کسی که سپر در دستش است از اصابت تیر مصون است و هر جا تیری بخواهد بیاید فرد سپرش را بالا می گیرد تا محفوظ شود.

باور به اینکه گناه به منزله اصابت تیر است را انسان باید جدی بگیرد و طبق بیان استاد اخلاق حوزه، این اصابت فقط تشبیه نیست بلکه در روایات به آن تصریح شده است که: «النظره سهم من سهام ابلیس» یعنی نگاه به نامحرم تیر مسموم شیطان است، مال حرام اکالون لِّلْسَخْتِ همین سنخ است، لذا در قرآن کریم نفرمود رشوه نگیرید فرمود چیزی که پوستتان را می کند نگیرید. اگر گفته شود که سُحْت به چه چیزی می گویند باید گفت: نهالی که تازه سبز شده و می خواهد رشد کند اگر پوستش را بکنید این نهال پس فردا مرده است؛ إسحات یعنی پوست کردن. فرمود: این رشوه، سُحْت است و پوست زندگی شما را می کند، پوست آبروی شما را می کند. یک وقت می بینید می گویند فلان کس مبتلا شده به اعدام یا به بیست سال زندان که این همان پوست کردن است. اگر کسی رومیزی یا زیرمیزی بگیرد بالاخره پوستش کنده می شود بنابراین حضرت فرمودند: این کار را نکنید أَكَالُونَ لِّلْسَخْتِ یعنی همین؛ چرا که این نظام، نظام حق است.

وی زوال انسانی را به واسطه دست آلودگی به گناه حتمی می داند چنانکه به مالک فرمودند: «وَ إِثَارَ طَاعَتِهِ وَ وَاتِّبَاعَ مَا أَمَرَ بِهِ فِي كِتَابِهِ مِنْ فَرَائِضِهِ وَ سُنَنِهِ الَّتِي لَا يَسْعُدُ أَحَدٌ إِلَّا بِاتِّبَاعِهَا» مالک! مبدا دست آلوده بشود مبدا خودت را با تیر مسموم در معرض زوال قرار بدهی؛ تو را به تقوای خدا امر می کنم. هیچ کس سعادت مند نمی شود مگر طبق رهنمود خدای سبحان. خدا فریضه ای و سنتی دارد که اگر کسی بخواهد از خطر نجات پیدا کند باید به آن فریضه عمل کند و اگر بخواهد به نفع و کمال برتر برسد به سنن او بها می دهد.

شتر چموش غضب و شهوت را کنترل کنید

صاحب تفسیر تسنیم با استناد به ادامه نامه آن چنین بیان داشته است: دوری از امیال و هوسهای باطنی و نیز پروراندن

آرزوهای پوچ در خیال، انسان را به حیوانی سرکش و افسار گسیخته مبدل کرده و او را از هدف غایی و رسیدن به تکامل دور می سازد چنانکه آن حضرت به مالک مرقوم داشتند: «وَأَمْرُهُ أَنْ يَكْسِرَ تَقْسَهُ مِنَ الشَّهَوَاتِ» با میل زندگی نکن. بعضی ها با میل کار می کنند و می گویند من هر چه بخواهم می گویم، هر جا بخواهم می روم، هر چه بخواهم می خرم یعنی به میل حرکت می کنم؛ انسان ضابطه ای دارد حسابی و کتابی دارد، این طور نیست که جلوییش باز باشد چرا که درباره این گروه خدای سبحان فرمود: بَلْ يَرِيدُ الْإِنْسَانُ لِيَفْجُرَ أَمَامَهُ یعنی او می خواهد جلوییش باز باشد که هر فجوری بکند و کسی جلوییش را نگیرد لذا چنین آدمی متحرک بالمیل است نه به اراده، حیوان هم متحرک به میل است نه به اراده. امیر(ع) با اشاره صریح به این مهم به مالک فرمود: «وَأَمْرُهُ أَنْ يَكْسِرَ تَقْسَهُ مِنَ الشَّهَوَاتِ وَ يَزَعَهَا عِنْدَ الْجَمَحَاتِ» این شتر جموح و چموش و سرکش را که می بینید در درون انسان هم وجود دارد و آن غضب یا شهوت است که جموحی و چموشی دارد لذا فرمود: «إِعْقِلْ وَ تَوَكَّلْ»، «فَإِنَّ النَّفْسَ أَمَارَةً بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ اللَّهُ».

منبع: برگزیده بیانات آیت الله جوادی آملی در جلسه درس اخلاق
نویسنده : سید محسن روحانی